

شناسایی محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران با روش تحلیل مضمون

لیدا جمال عینی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

اکبر اعتباریان خوراسگانی

استاد گروه مدیریت دولتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

علی رشیدپور

دانشیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

رضا اسماعیلی

استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

هدف پژوهش: هدف پژوهش حاضر شناسایی محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران بود. **روش انجام پژوهش:** پژوهش از نوع کیفی و با استفاده از تحلیل مضمون به شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران پرداخت.

جامعه آماری: این پژوهش از منظر هدف، از نوع توسعه‌ای-کاربردی، از منظر گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی و از منظر قطعیت داده‌ها، از نوع اکتشافی بود. نمونه‌گیری در پژوهش حاضر هدفمند و تا اشباع نظری ادامه یافت. در بخش منابع نوشتاری، با بررسی ۱۹ منبع (از بازه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲) در بخش مصاحبه با ۹ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. **یافته‌ها و نتیجه پژوهش:** یافته‌های پژوهش نشان داد که محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران به ۷۶ مضمون پایه‌ای، ۱۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر تقسیم شدند. مضامین فراگیر شامل ارزش‌های بنیادین دین، رفتارهای میل به توسعه دانش و قدرت، هویت و غرور ملی-مذهبی، و تجارب تاریخی هستند. نتایج تأکید می‌کنند که فرهنگ نقش کلیدی در توسعه سیاسی ایران دارد و می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های آینده باشد. توجه به ابعاد فرهنگی می‌تواند به تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی و ایجاد تحولات مثبت در نظام سیاسی ایران کمک کند.

کلید واژه‌ها: محرک‌های فرهنگی، توسعه سیاسی، تحلیل مضمون.

مقدمه

در طول یکصد سال اخیر، ایران با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی در زمینه توسعه سیاسی مواجه بوده است. تلاش‌های گسترده‌ای برای شناسایی ابعاد مختلف این توسعه و عوامل موثر بر آن صورت گرفته است، به‌طوری‌که تمهیدات زیربنایی توسعه سیاسی در کشور رشد قابل توجهی داشته و پس از انقلاب اسلامی، پژوهش‌های متعددی در این زمینه انجام شده است. این پژوهش‌ها عمدتاً به بررسی ریشه‌های تک‌بعدی تمهیدات توسعه سیاسی پرداخته‌اند و در این راستا، مفهوم توسعه به عنوان یک مفهوم جامع در علم اقتصاد و علوم اجتماعی مطرح شده است. از اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، رشد و توسعه به عنوان دو مفهوم مستقل از یکدیگر شناخته شدند. در حالی که رشد تنها به مفاهیم کمی اقتصادی محدود می‌شود، توسعه شامل تغییرات تکنولوژیک، افزایش کارایی و بهره‌وری و بهبود توزیع درآمد است. امروزه، معیار توسعه به یکی از اصلی‌ترین ملاک‌ها برای دسته‌بندی کشورها تبدیل شده و کشورهای جهان به سه گروه توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته تقسیم‌بندی می‌شوند. توسعه به معنای بهبود شرایط زندگی و رفاه تمامی شهروندان و رفع نیازهای ملی یک جامعه است و دارای معانی مختلفی در زمینه‌های گوناگون می‌باشد. این مقاله به بررسی ابعاد مختلف توسعه سیاسی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌های موجود و تأثیر آن بر بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌پردازد. با توجه به اهمیت موضوع، هدف این تحقیق ارائه تحلیلی جامع از وضعیت کنونی توسعه سیاسی در ایران و راهکارهای ممکن برای تحقق یک توسعه پایدار و همه‌جانبه است.

بیان مسئله

جامعه ایران در سال‌های اخیر با تحولات پرتلاطم و چالش‌های اساسی مواجه بوده است که این وضعیت، عقب‌ماندگی از روند توسعه همه‌جانبه و مواجهه با

موج جهانی شدن را به همراه داشته است. انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک تحول فرهنگی عمیق، از پشتولنه‌ای قوی متشکل از لایه‌های تمدنی ایرانی، اسلامی و مدرن برخوردار است (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰). با این حال، علیرغم این پشتوانه غنی، توسعه سیاسی در کشور به‌طور مطلوب تحقق نیافته است و این امر به یکی از چالش‌های جدی جامعه ایرانی تبدیل شده است. در این راستا، شناسایی محرک‌های فرهنگی که می‌توانند به توسعه سیاسی کمک کنند، یک ضرورت اساسی به شمار می‌آید. فرهنگ به عنوان یکی از ارکان اصلی شکل‌دهنده به رفتارهای اجتماعی و سیاسی، نقش کلیدی در فرآیند توسعه سیاسی ایفا می‌کند. بنابراین، عدم توجه کافی به این بعد فرهنگی می‌تواند مانع از پیشرفت و نهادینه شدن توسعه سیاسی در کشور گردد. تحقیق حاضر به دنبال شناسایی و تحلیل محرک‌های فرهنگی مؤثر بر توسعه سیاسی در ایران با استفاده از روش تحلیل مضمون است. این تحقیق نه تنها به درک بهتر از عوامل فرهنگی مؤثر بر توسعه سیاسی کمک خواهد کرد، بلکه می‌تواند راهکارهای عملی برای تقویت این عوامل و تسهیل فرآیند توسعه سیاسی در ایران ارائه دهد. لذا، این موضوع به عنوان یک مسئله مهم و نیازمند تحقیق جدی تلقی می‌شود که می‌تواند به بهبود شرایط سیاسی و اجتماعی کشور کمک کند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

عدم موفقیت ایران در دستیابی به توسعه سیاسی نسبت به کشورهای هم‌تراز، نشان‌دهنده وجود خلاهای تحقیقاتی در این حوزه است. این خلاها نه تنها به عدم شناخت کافی از عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی منجر شده، بلکه باعث شده است که سیاست‌گذاران نتوانند تصمیمات مؤثری در راستای بهبود وضعیت سیاسی کشور اتخاذ کنند. این پژوهش با هدف پر کردن این خلا، اهمیت زیادی دارد. شناسایی محرک‌های فرهنگی

می‌تواند به عنوان یک ابزار راهبردی برای سیاست‌گذاران و حکمرانان عمل کند. فرهنگ به عنوان یک عنصر کلیدی در فرآیند توسعه سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا رفتارها، ارزش‌ها و باورهای فرهنگی می‌توانند تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر روند توسعه سیاسی داشته باشند. تحقیق حاضر می‌تواند با شناسایی و تحلیل محرک‌های فرهنگی، به سیاست‌گذاران کمک کند تا از این محرک‌ها بهره‌برداری نمایند و در عین حال موانع موجود را کاهش دهند. این امر نه تنها به بهبود فرآیند تصمیم‌گیری کمک می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد سیاست‌های مؤثر و پایدار در راستای توسعه سیاسی باشد. شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه سیاسی، چه به عنوان عامل و چه به عنوان مانع، همواره یکی از موضوعات کلیدی مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. در این راستا، عوامل فرهنگی به عنوان یک عامل مهم شناسایی شده‌اند. بر این اساس، این پژوهش به تبیین و تشریح محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران می‌پردازد.

ادبیات پژوهش

مفهوم توسعه به جز جنبه اقتصادی، شامل نابرابری‌ها، وضعیت نیروی انسانی و شرایط اجتماعی و سیاسی جوامع نیز می‌شود. به طوری که یک کشور زمانی توسعه‌یافته محسوب می‌شود که تمامی ابعاد مختلف آن به‌طور هماهنگ پیشرفت کنند و در عین حال عدالت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در آن برقرار باشد. طبق نظر پیرسون^۱ (۱۹۹۲)، توسعه نیازمند بهبود کیفی، کمی یا هر دو در استفاده از منابع موجود است. او همچنین تأکید می‌کند که توسعه به یک دیدگاه خاص در زمینه بهبود اجتماعی، سیاسی و اقتصادی اشاره ندارد. بلکه این اصطلاح به عنوان یک مفهوم جامع برای مجموعه‌ای از استراتژی‌ها که برای تغییر شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی و محیطی از وضعیت کنونی به حالت مطلوب به کار می‌روند، به کار می‌رود (پناهی، ۱۴۰۰).

امروزه، بعد فرهنگی توسعه به عنوان نوعی برتر از توسعه شناخته می‌شود و نهادهای بین‌المللی نیز این رویکرد را توصیه می‌کنند. چرخش فرهنگی یا فرهنگی شدن جنبه‌های مختلف زندگی انسان به تغییرات متعددی که در قرن بیستم رخ داده، مربوط می‌شود. از جمله این تغییرات می‌توان به چرخش زبانی، ورود جوامع مدرن به دوره پسامدرن، پیچیدگی روزافزون جوامع و پساساختارگرایی اشاره کرد. این تحولات از یک سو باعث گسترش حوزه فرهنگ به سایر جنبه‌های زندگی انسان شده و از سوی دیگر، عرصه‌های فعالیت انسانی مانند سیاست را بیشتر فرهنگی کرده است. توسعه فرهنگی به این معناست که فرآیند توسعه باید فرهنگی باشد و براساس فرهنگ شکل بگیرد. به عبارت دیگر، تمامی انواع توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باید بر مبنای فرهنگ استوار باشند (پناهی، ۱۳۹۴). هویت فرهنگی زمانی می‌تواند بر توسعه سیاسی تأثیر بگذارد که با فرهنگ‌های دیگر در ارتباط باشد و به پذیرش فرهنگی در چارچوب سیاست فرهنگی صحیح دست یابد. چنین هویتی درحالی که پویاست، می‌تواند منافع خود را حفظ کند و به هدف‌های نظام سیاسی دست یابد، مشروط بر اینکه اقتباس فرهنگی از طریق یک فیلتر انجام شود که هم به ماهیت و اصالت فرهنگی سیاسی آسیب نرساند و هم هویت فرهنگی و نظام سیاسی از دانش و فناوری روز عقب نماند (قادری، ۱۳۹۶).

ظهور مشکلات فرهنگی و کمرنگ شدن فرهنگ‌های محلی و ملی به دلیل تغییرات فرهنگی، ضرورت توجه به نوعی الگوی توسعه درون‌زا را که بر فرهنگ بومی تأکید دارد، به وجود آورده است. از این‌رو، الگوهای توسعه‌ای که از خارج وارد می‌شوند، به دلیل عدم تطابق با معیارهای فرهنگی و هویت ملی جوامع، نمی‌توانند به‌طور کامل مورد استفاده قرار گیرند. در ایران، که همزمان با تلاش برای توسعه و همچنین انتقاد از روند توسعه غربی پس از انقلاب، به پیشرفت براساس

آموزه‌های ایرانی اسلامی اهمیت می‌دهد، توسعه فرهنگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ایران در سال‌های پس از انقلاب، با اجرای سیاست‌های توسعه اقتصادی، شاهد تغییرات سریع اجتماعی در سطوح مختلف بوده‌ایم. این مسئله جدای از اینکه ایران را با مشکلات کشورهای جهان سوم، همگون ساخت، این موضوع را برجسته کرد که جایگاه فرهنگ دینی ملی ما در این تغییرات سریع چگونه خواهد شد. هرچند در برنامه‌های توسعه چهارگانه، توجه به آموزه‌های دینی و ملی ذکر شد، اما با مداقه بیشتر، این تغییر نگاه مشاهده می‌گردد. با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد چگونگی ارتباط بین قدرت فرهنگی و توسعه در ایران پس از انقلاب از اهمیت شایانی برخوردار باشد؛ زیرا تن دادن به فرهنگ یک‌دست جهانی در قالب مؤلفه‌های توسعه، چندان با آرمان‌های ایران اسلامی مطابقت ندارد و از سوی دیگر، ایران در مواجهه با فرهنگ غربی نه تنها به نوعی بر موضع خاص گرایانه خود تأکید می‌ورزد، بلکه تلاش دارد بر فرهنگ جهانی و فرهنگ سایر ملل تأثیرگذار باشد. چنین هدفی بدون برخورداری از قدرت بالای فرهنگی ممکن نیست. نکته دیگر این است که بین قدرت فرهنگی و توسعه فرهنگی چه ارتباطی وجود دارد. آیا هم‌رنگ شدن با جریان توسعه فرهنگی براساس مؤلفه‌های جهانی که یونسکو به تنظیم آن مبادرت ورزیده، منجر به کاهش قدرت فرهنگی و توسعه ملی می‌گردد یا آن را تقویت می‌کند؟ (فقیه ایمانی، ۱۳۹۲).

فرهنگ و هویت فرهنگی در اندیشه‌های توسعه، به عنوان هدف یا وسیله، معمولاً نقشی مرکزی نداشته‌اند. برخی از اندیشمندان با تأکید بر حفظ سنت‌ها، به نوسازی و توسعه سیاسی در جوامع آسیب زده‌اند. در مقابل، دیدگاه دیگری به وجود آمده که بر روند تاریخی و تحولات خطی تأکید می‌کند و معتقد است که تاریخ به پیش می‌رود. این گروه برای ایجاد تغییرات و

دستیابی به رشد سیاسی، بدون توجه به فرهنگ عمل کرده‌اند و نتیجه‌ای نگرفته‌اند و از پیشرفت‌های توسعه عقب مانده‌اند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۹). امروزه توسعه به تحول در چهار حوزه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اطلاق می‌شود. در سال‌های اخیر، توسعه سیاسی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است و برخی آن را پیش‌نیاز توسعه اقتصادی می‌دانند. تعریف توسعه سیاسی از دیدگاه‌های مختلف به طور جامع و پیچیده‌ای مورد بحث قرار گرفته است. این فرآیند به ایجاد زمینه‌های لازم برای نهادینه‌سازی تشکلهای مشارکت سیاسی کمک می‌کند و نتیجه آن افزایش توانمندی یک نظام سیاسی است. با وجود اهمیت این موضوع، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، با سطوح مختلفی از توسعه نیافتگی و بی‌ثباتی سیاسی روبه‌رو هستند (طاهری و دارابی، ۱۴۰۰). فرهنگ و تأثیر آن در سال‌های اخیر بر توسعه سیاسی از مسائل مهم است. تأکید بر توسعه سیاسی مبتنی بر آموزه‌های غربی و علوم متداول در دنیا بدون در نظر گرفتن فرهنگ بومی نه تنها بازدارنده توسعه است، بلکه ممکن است به فرهنگ اصیل کشور نیز آسیب وارد کند. بر این اساس مسئله اصلی پژوهش حاضر پاسخگویی به این پرسش است که محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران کدام است؟

محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی:

عدالت: عدالت خواهی یکی از ویژگی‌های بارز و متمایز جامعه ایرانی است که می‌تواند به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌پذیر در فرایند توسعه مورد توجه قرار گیرد. ریشه‌های این مفهوم را می‌توان در اساطیر جستجو کرد، اما در تاریخ معاصر نیز این عنصر فرهنگی نقش بسزایی در روابط اجتماعی ایفا کرده است. به عنوان مثال، یک نظرسنجی که در سال ۱۳۷۳ انجام شد، نشان داد که ۷۹ درصد از پاسخ‌دهندگان عدالت را امری بسیار مهم دانسته و آن را اصلی‌ترین

مسئله جامعه ایرانی معرفی کرده‌اند. اگر عدالت‌خواهی در عرصه سیاسی نیز نمود پیدا کند، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر توسعه داشته باشد. از منظر اقتصادی، عدالت توزیعی و دسترسی به حداقل استانداردهای زندگی، به شکوفایی توانمندی‌های افراد جامعه کمک کرده و در نتیجه، منجر به افزایش سرمایه انسانی و اجتماعی خواهد شد (بایزدی و حسین‌پناهی، ۱۳۹۸).

جمع‌گرایی در مقابل فردگرایی: جمع‌گرایی به معنای وجود تعهدات مشترک و متقابل بین اعضای یک جامعه است که افراد موظف به رعایت آنها هستند. در مقابل، فردگرایی به ایده‌ای اشاره دارد که در آن منافع فردی غالب بر منافع جمعی و ملی در نظر اکثریت جامعه قرار می‌گیرد. با وجود ادعاهای غیرعلمی و قدیمی که در آثار مستشرقان و سفرنامه‌نویسانی مانند دالواله^۲، موریه^۳، شاردن^۴، فولر^۵، فریزر^۶ و... مشاهده می‌شود، مطالعات تجربی نشان‌دهنده سطح بالای جمع‌گرایی در فرهنگ ایرانی است. این جمع‌گرایی می‌تواند به کاهش گسست اجتماعی، افزایش مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در نهایت کاهش فاصله بین مردم و دولت منجر شود. هر یک از این موارد تأثیر قابل توجهی بر فرآیند توسعه دارند.

پلورالیسم فرهنگی: با توجه به تنوع قومی و مذهبی در ایران، کثرت‌گرایی فرهنگی نقش اساسی در حفظ وحدت و ثبات اجتماعی دارد. این نوع کثرت‌گرایی با پذیرش تفاوت‌ها میان ادیان و اقوام مختلف و افزایش تعاملات فرهنگی، به توسعه جامعه کمک می‌کند. به همین دلیل، شاخص کثرت‌گرایی فرهنگی می‌تواند به تقویت قدرت نرم کشور منجر شود. اما این شاخص فرهنگی در تضاد با رویکرد دولت در زمینه انحصار فرهنگی است. کثرت‌گرایی فرهنگی در ایران، در مقابل تبعیض‌های فرهنگی، می‌تواند بستر مناسبی برای بهره‌برداری حداکثری از سرمایه‌های انسانی فراهم کند. هرچند برخی رفتارهای سرد و زندگی ماشینی به‌طور

محدود در جامعه وجود دارد، اما ویژگی‌هایی مانند صمیمیت و مهمان‌نوازی به عنوان خصوصیات بارز فرهنگی شناخته شده و تثبیت شده‌اند. بسیاری از ایران‌شناسان و مستشرقان، از جمله هانری کربن، به بررسی این ویژگی‌ها پرداخته‌اند. این رفتارها را می‌توان در چارچوبی وسیع‌تر به عنوان بخشی از فرهنگ پذیرای جامعه ایرانی تحلیل کرد که بر پایه پلورالیسم فرهنگی استوار است. ریشه‌های کثرت‌گرایی فرهنگی در آثار شاعران بزرگ مانند مولانا و حافظ نیز قابل مشاهده است.

احترام: هرچند در چند دهه اخیر، عوامل مختلف باعث کاهش فرهنگ احترام در جامعه ایرانی شده‌اند، اما این مفهوم هنوز هم به عنوان یک شاخص فرهنگی مهم در ایران، مشابه با جامعه ژاپنی، شناخته می‌شود. رفتارهای مشخصی مانند «احترام به بزرگتر» و «تعارف» نمایانگر فرهنگ احترام در ایران هستند و پژوهشگران متعددی از جمله ویلیام بیمن به بررسی آن پرداخته‌اند (بیمن^۷، ۱۹۸۶). عملکرد این شاخص فرهنگی مشابه منبع مشروعیت کاریزماتیک در نظریات ماکس وبر^۸ است. اثربخشی این شاخص در فرهنگ ایرانی به میزان کاریزما و اعتبار منبع احترام بستگی دارد. وقتی که منبع احترام معتبر باشد، این شاخص در شرایط بحرانی، بروز اختلافات و حتی جنگ، می‌تواند نقش مؤثری در حل مشکلات و ایجاد ثبات ایفا کند. هنوز هم در سطوح خرد جامعه، این شاخص توانایی قابل توجهی در رفع اختلافات خانوادگی و قضایی دارد که می‌توان نمونه‌های آن را در سازوکارهای مصلحتی برای حل اختلافات در برخی مناطق ایران مشاهده کرد (بایزدی و حسین‌پناهی، ۱۳۹۸).

پیشینه پژوهش

بهرامی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «الگوی دستیابی به توسعه سیاسی و اقتصادی» با نگاه به سه رویکرد نهادگرا، اقتصادگرا و سیاست‌گرا با روش

تحلیلی و مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای ابتدا به مفهوم و مبانی توسعه اشاره کردند و سپس اهمیت توسعه سیاسی و اقتصادی را به‌طور جداگانه پیگیری کرده و در نهایت با توجه به نظرات بزرگان عرصه علوم سیاسی و اقتصادی، در پی پاسخ به این سوال بودند که راه کارهای دستیابی به توسعه سیاسی و اقتصادی چیست؟ و اولویت در ایجاد، توسعه سیاسی است یا اقتصادی؟ که با نگاه و بررسی سه رویکرد نهادگرا، اقتصادگرا و سیاست‌گرا سعی در رسیدن به پاسخ بودند.

پناهی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی» به این نکته اشاره کرده که ربع پایانی قرن بیستم با پدیده چرخش فرهنگی، همزمان با ظهور پسامدرنیته و پساساختارگرایی، همراه بوده است. این چرخش نه تنها نشان‌دهنده افزایش اهمیت فرهنگ در زندگی انسان‌ها و در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی است، بلکه به درک عمیق‌تری از نقش و قدرت فرهنگ در جنبه‌های مختلف زندگی بشری و تحلیل‌های اجتماعی منجر شده است؛ موضوعی که قبلاً تحت‌الشعاع عوامل اقتصادی قرار داشت. در این مقاله، ابتدا به بررسی توسعه فرهنگ و ابعاد مختلف آن پرداخته شده و اهمیت این توسعه مورد بحث قرار گرفته است. همچنین با استناد به مطالعات مفاخر، بیان شده که پیشرفت در زمینه‌های مختلف جامعه بدون توسعه فرهنگی نه تنها پایدار نخواهد بود، بلکه نمی‌تواند به خودکفایی و رشد انسانی منجر شود. به عبارت دیگر، توسعه در عرصه‌های مختلف باید بر پایه فرهنگ ایرانی-اسلامی بنا شود تا تلاش‌های کشور در مسیر پیشرفت اسلامی ایرانی به موفقیت برسد.

بایزیدی و حسین‌پناهی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «فرهنگ و توسعه: شاخص‌های فرهنگی توسعه‌پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران»، به بررسی تأثیر

فرهنگ و شاخص‌های فرهنگی بر فرآیند توسعه پرداخته‌اند. سوال اصلی این پژوهش این است که چگونه شاخص‌های فرهنگی بر توسعه تأثیر می‌گذارند؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، شاخص‌های توسعه‌پذیر و ضدتوسعه در فرهنگ‌های ژاپنی، بریتانیایی و ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با بهره‌گیری از روش مقایسه‌ای، شش شاخص کلیدی فرهنگی شامل «فاصله قدرت»، «ابهام‌گریزی یا احتیاط»، «فردگرایی و جمع‌گرایی»، «زن‌سالاری و مردسالاری»، «جهت‌گیری بلندمدت یا کوتاه‌مدت» و «میزان جامعه‌پذیری یا انطباق» در این جوامع مقایسه شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که فرهنگ ایرانی با وجود برخی شاخص‌های توسعه‌پذیر مانند عدالت‌خواهی، جمع‌گرایی، پلورالیسم فرهنگی و احترام، در مقایسه با فرهنگ‌های ژاپنی و بریتانیایی، دارای تعداد بیشتری از شاخص‌های فرهنگی ضدتوسعه است.

غزالی^۹ و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «توسعه در مقابل دیدگاه‌های سیاسی مالکیت دولت: چگونه بر کارایی سرمایه‌گذاری تأثیر می‌گذارد؟» به مطالعه دیدگاه توسعه و دیدگاه سیاسی مالکیت دولت را با نظریه چرخه عمر شرکت برای توضیح کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها پرداختند. آنها متوجه شدند که مالکیت دولت بر شرکت‌ها در مراحل معرفی و افول ناشی از دیدگاه توسعه است که کارایی سرمایه‌گذاری را بهبود می‌بخشد. با این حال، مطابق با دیدگاه سیاسی، مالکیت دولتی بالاتر کارایی سرمایه‌گذاری شرکت‌ها را در مراحل رشد و بلوغ بدتر می‌کند. برای شرکت‌هایی که در این دو مرحله قرار دارند، یک اثر آستانه قابل توجهی از مالکیت دولت بر کارایی سرمایه‌گذاری پیدا کردند. نتایج نشان داد که هدف مشارکت دولت براساس مراحل توسعه شرکت‌ها متفاوت است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر که با هدف شناسایی محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران انجام شده است، از منظر هدف، از نوع توسعه‌ای-کاربردی و از منظر گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی و از منظر قطعیت داده‌ها، از نوع اکتشافی است. با توجه به خلأ پژوهشی موجود، رویکرد کیفی در اجرای پژوهش به کار گرفته شد تا پژوهشگر بتواند ضمن جستجوی گسترده در ادبیات موضوع، به شناسایی محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران بپردازد. در این پژوهش برای شناسایی محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران از منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه استفاده شد. بدین‌صورت که ابتدا کلیه مقالات، پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها در بانک‌های علمی معتبر در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا سال ۱۴۰۲ با کلید واژه‌های مربوط به موضوع پژوهش بررسی شد و با حذف منابع غیرمرتبط، تعداد ۱۹ منبع نوشتاری از بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲ در دست بررسی قرار گرفت. همچنین در بخش بعدی نیز با ۹ نفر از خبرگان علوم سیاسی و فرهنگی که از اساتید دانشگاه بودند، مصاحبه شد. بنابراین، در بخش منابع کتبی، با بررسی ۱۹ منبع و در بخش مصاحبه با ۹ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. در پژوهش حاضر، نمونه‌گیری به شیوه هدفمند انجام شده است. در مطالعات کیفی، تعداد نمونه‌ها تا جایی افزایش می‌یابد که داده‌های جدید دیگر به توسعه یا اصلاح نظریه موجود کمک نکنند؛ به عبارتی، زمانی که داده‌ها تکراری شده یا طبقه‌بندی‌های موجود تغییر نکنند، به این وضعیت اشباع نظری گفته می‌شود (آگاه و همکاران، ۱۴۰۰). در این پژوهش، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون و با رویکرد استقرایی (آتراید-استرلینگ) صورت گرفته است.

تحلیل مضمون روشی مؤثر در پژوهش‌های کیفی است که به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا داده‌های خام

را به اطلاعات غنی و تفصیلی تبدیل کنند. در این روش، پژوهشگر با شناسایی مضامین پایه‌ای، نکات کلیدی متن را نمایان می‌سازد و از طریق ترکیب این مضامین، مضامین سازمان‌دهنده شکل می‌گیرد (آگاه و همکاران، ۱۴۰۰). در تحلیل مضمون، تمرکز بر شناسایی، تحلیل و تفسیر الگوهای معنایی داده‌های کیفی است. مضمون‌ها به عنوان ارزشمندترین واحدها در تجزیه و تحلیل محتوا، معنای خاصی را از کلمات، جملات یا پاراگراف‌ها استخراج می‌کنند. در این فرآیند، پژوهشگر ابتدا داده‌های کیفی مرتبط با موضوع تحقیق را جمع‌آوری کرده و آنها را به کدهای اولیه تبدیل می‌کند. سپس، با دسته‌بندی این کدها، مضامین پایه‌ای استخراج می‌شود. این مضامین پایه‌ای به عنوان بن‌مایه‌های اصلی تحقیق عمل می‌کنند. در ادامه، با انتزاعی کردن دسته‌بندی‌ها، مضامین سازمان‌دهنده شکل می‌گیرند که به سازماندهی و ساختاردهی بهتر مضامین کمک می‌کند. در نهایت، پژوهشگر قادر است تا مضامین فراگیر را شناسایی کند که نمایانگر الگوهای کلی و معانی عمیق‌تر داده‌ها هستند.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس تحلیل مضمون انجام شد. در گام نخست از مجموع منابع و اسناد گردآوری شده در پژوهش که شامل کتاب‌ها، مقاله‌ها و مصاحبه‌ها است، پاراگراف‌های مرتبط پیرامون محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران استخراج گردید و کدگذاری اولیه انجام شد. پس از اتمام مرحله کدگذاری اولیه، کدهای مشابه کنار هم قرار گرفتند تا در مورد چگونگی ترکیب و ادغام کدهای مختلف برای ایجاد مضامین پایه‌ای تصمیم‌گیری شود. در جدول ۱، چند نمونه از مضمون‌های پایه‌ای استخراج شده ارائه شده است.

جدول ۱- نمونه‌هایی از متن‌های منتخب و مضمون‌های پایه‌ای شناسایی شده

ردیف	متن استخراج شده	منبع	مضمون‌های پایه‌ای
۱	از مهمترین خصیصه‌های ایرانی‌ها فرهنگ مشورت و مشاوره در خانواده‌ها، قوم‌ها و در اجتماعات بزرگتر به صورت تصمیم‌گیری شورایی هست.	مصاحبه‌شونده ۸	فرهنگ مشورت در خانواده‌ها
۲	خداوند در این آیه مومنانی را مورد ستایش قرار داده که در تمام ابعاد حیات فردی اجتماعی شیوه مشورت را پیشه خود قرار می‌دهند. درعین حالیکه رابطه تنگاتنگ میان ایمان و ضرورت مشورت را به‌عنوان یک دستور شرعی گوشزد می‌کند. چون کارها به‌ویژه امور مربوط به مسائل جامعه اگر با مشورت انجام گیرد احتمال خطای آن کمتر است. شورا و مشورت یک اصل عقلایی و رایج در میان دانایان و عقلای عالم است اهمیت و نقش مشورت در مسائل مختلف به‌ویژه مسائل مهم و پیچیده اجتماعی که افراد به‌تنهایی از شناخت همه زوایای مسئله ناتوان‌اند نیاز به اقامه دلیل ندارد. زیرا مشورت و استفاده از نظرات دیگران سبب می‌شود که زوایای مختلف مسئله روشن‌تر و کجی‌های آن برطرف گردد.	اکبری (۱۳۸۸)	تمایل به همفکری در امور عمومی
۳	اهمیت و تأکیدات گسترده اندیشمندان بر نقش‌آفرینی تصمیمات شورایی در تصمیمات مرتبط با منافع عمومی، این امر را ضروری می‌سازد که جایگاه چنین نهادی در فرایند اتخاذ تصمیم در یک نظام سیاسی و اجتماعی مشخص شود.	گرجی اندرزبانی (۱۳۹۵)	ارزش شورا و مشورت در امور
	تحصیل علم از نظر اسلام یک ضرورت مطلق است و هیچ قید و شرطی ندارد. «نه قید زمانی نه قید مکانی و فردی و نه هیچ قید و محدودیت دیگری. از حدیث معروف «اطلبوا العلم و لو بالصدقه» علم را طلب کنید؛ اگر در چین باشد»، درمی‌یابیم که از نظر اسلام، طلب علم فریضه‌ای است که جا و مکان خاصی نمی‌شناسد و محدودیت مکانی ندارد. که این دانش می‌تواند در نهایت به توسعه سیاسی منجر گردد.	لوح فشرده پرمسان (۱۳۹۱)	باور به جستجوگری دانش در هر کجای از جهان
۵	ارزش‌هایی مانند محبت کردن و کمک به دیگران می‌تواند به‌عنوان یک عامل محرک سیاسی عمل کند.	مصاحبه‌شونده ۴	فرهنگ نوع‌دوستی
۶	در اشعار و سخنان برخی شاعران و بزرگان در طول تاریخ علاقه‌مندی ایرانیان به سرزمین پاک خود هویداست. به‌عنوان مثال ابوالقاسم فردوسی می‌سرایند: چو ایران نباشد تن من مباد بر این بوم و بر زنده یک تن مباد بیا تا همه تن به کشتن دهیم مبادا که کشور به دشمن دهیم دریغ است ایران که ویران شود کنام پلنگان و شیران شود.	مصاحبه‌شونده ۹	علاقه سرزمینی ایرانیان

ردیف	متن استخراج شده	منبع	مضمون‌های پایه‌ای
۷	از دیر باز علم‌آموزی در ایران به‌عنوان یک فضیلت اخلاقی و اجتماعی در نظر گرفته می‌شده که باعث رشد و بالندگی دانشمندان در عرصه‌های مختلف گردیده است.	مصاحبه‌شونده ۹	دانش و علم‌آموزی به‌عنوان فضیلت اخلاقی و اجتماعی
۸	عبادت کسانی که به سفرهای زیارتی و سیاحتی رفته‌اند. به‌نوعی با پختگی و تبادل و انتقال اطلاعات فرهنگی همراه هست.	مصاحبه‌شونده ۲	باور به تاثیر سفر در پختگی انسان در بین ایرانیان
۹	همچنین ممکن است آداب مربوط به مشارکت در جشن‌های ملی و مذهبی و تمایل مردم به مشارکت در آن و حضور آنها در تجمعات به‌عنوان محرک توسعه سیاسی عمل کند. همچنین، نمادهایی مانند پرچم‌های ملی، نشان‌های مربوط به حقوق بشر، شعارهایی که به ایده‌آل‌های دموکراسی و شفافیت اشاره دارند، نیز می‌توانند برای توسعه سیاسی اهمیت داشته باشد.	مصاحبه‌شونده ۷	علاقه‌ها به مشارکت در برگزاری آیین‌ها و جشن‌های ملی و مذهبی
۱۰	رفتار سبقت‌جویانه در انتخابات نقش موثری در برتری‌جویی نامزدها و طرفداران‌شان خواهد داشت.	اسماعیلی (۱۳۸۶)	سبقت‌جویی

در گام دوم، براساس مشابهت‌های کاربردی دسته‌بندی مضمون‌های پایه‌ای در قالب مضمون‌های مضمون‌های پایه‌ای، هر چند مضمون در یک دسته به نام مضمون سازمان‌دهنده قرار گرفت. در جدول ۲،

جدول ۲- دسته‌بندی مضمون‌های پایه‌ای و استخراج مضمون‌های سازمان‌دهنده

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱	فرهنگ مشورت در خانواده‌ها	ارزش مشورت و مشاوره
۲	تمایل به همفکری در امور عمومی	
۳	ارزش شورا و مشورت در امور	
۴	باور به جستجوگری دانش در هر کجای از جهان	ارزشمندی دانش و دانشوری
۵	ارزش علم و دانش نزد ایرانیان	
۶	دانش و علم‌آموزی به‌عنوان فضیلت اخلاقی و اجتماعی	
۷	احترام به معلم و دانشمند نزد ایرانیان	
۸	اهمیت کار و تلاش در متون دینی	ارزشمندی کار و اشتغال
۹	کار به‌عنوان عبادت در متون دینی	
۱۰	تاکید بر عمل صالح در دین	
۱۱	اشتغال به عنوان یک ارزش اجتماعی	
۱۲	علاقه خانواده‌ها به مشارکت در برگزاری آیین‌ها و جشن‌های ملی و مذهبی	ارزش مشارکت در امور عمومی و خیرخواهانه
۱۳	مشارکت و تمایل جامعه نسبت به برگزاری آیین‌ها و مراسم ملی و مذهبی	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۱۴	تمایل و باور مردم نسبت به فعالیت‌های خیرخواهانه	
۱۵	فرهنگ نوع‌دوستی	
۱۶	تعاون و همکاری در حل مسائل عمومی	
۱۷	گرایش به کمک به هموطنان در مشکلات و مصائب	
۱۸	فرهنگ محبت و همیاری	
۱۹	سبقت‌جویی	رقابت مبتنی بر خود ارتقای
۲۰	انگیزه تلاش فردی برای کسب منافع	
۲۱	چشم و هم‌چشمی (نوعی رقابت)	
۲۲	رقابت‌های درون قومی و بین قومی	پیشی‌جویی قومی-گروهی
۲۳	تعصب نسبت به آبروی قومی	
۲۴	همیاری درون قومی	
۲۵	تمایل مردم به سفر کردن و تجربه اندوزی	انگیزه توسعه تجارب و کیفیت عمر
۲۶	استقبال مردم از سفرهای زیارتی و تفریحی	
۲۷	باور به تاثیر سفر در پختگی انسان در بین ایرانیان	
۲۸	قدرت‌طلبی به عنوان یک ویژگی فردی	انگیزه توسعه قدرت
۲۹	انگیزه بالا برای رشد عمومی و ارتقاء قدرت	
۳۰	بالا بودن رقابت بر سر دستیابی به قدرت (اجتماعی-اقتصادی-سیاسی)	
۳۱	انگیزه برای نزدیکی به کانون‌های قدرت	
۳۲	تمایل عمومی به داشتن یک جامعه ممتاز و متمایز به استناد گذشته تاریخی خود	انگیزه عمومی نسبت به رشد و شکوفایی ملی
۳۳	انگیزه ایرانیان به تکرار افتخارات گذشته	
۳۴	اعتماد به نفس عمومی نسبت به توانمندی‌های ایرانیان	
۳۵	علاقه‌مندی عمومی به رشد و شکوفایی و خلق تمدن ایرانی	
۳۶	تمایل عمومی به شناخته شدن به عنوان یک جامعه مدرن در جهان	
۳۷	انتظار از دولت‌ها برای تجدید افتخارات گذشته ایرانیان	
۳۸	رونق مراسم و اجتماعات فرهنگی در ایران	احترام عمومی به نمادها و آیین‌ها
۳۹	احترام مردم به نمادهای ملی و دینی	
۴۰	احترام مردم به اسطوره‌های ملی و دینی	
۴۱	احترام مردم به مناسبت‌های ملی-مذهبی	

ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۴۲	ریشه‌دار بودن آیین‌ها و مناسبت‌های ملی و مذهبی	
۴۳	علاقه سرزمینی ایرانیان	افتخار سرزمینی
۴۴	باورمندی به زبان فارسی به‌عنوان یک زبان غنی و پویا	
۴۵	افتخار به گذشته تاریخی خود	
۴۶	افتخار به گذشته علمی و دانشمندان خود	
۴۷	باورمندی به برجستگی هویت ملی ایرانیان	
۴۸	وطن‌دوستی ایرانیان	عرق ملی
۴۹	روحیه پاسداری از خاک در بین مردم ایران	
۵۰	روحیه پاسداری از هویت ایرانی بین مردم	
۵۱	زبان	باور و افتخار عمومی نسبت به نمادهای ملی و دینی
۵۲	پرچم	
۵۳	تقویم و گاهنامه ایرانی	
۵۴	دین	
۵۵	آیین‌ها و جشن‌ها	
۵۶	آثار باستانی	
۵۷	معماری ایرانی	
۵۸	دانشمندان و شعرای ایرانی	
۵۹	هنر و صنایع هنری ایران	پذیرش تنوع فرهنگی
۶۰	تنوع و تکثر فرهنگی	
۶۱	پذیرش تفاوت‌های فرهنگی	
۶۲	تعامل فرهنگی	عدالت‌خواهی
۶۳	برابری‌طلبی	
۶۴	انگیزه عمومی برای عدالت‌خواهی	
۶۵	باور به حقوق شهروندی برای همه اقوام و گروه‌ها	
۶۶	تزریق نشاط و علاقه‌مندی و عدالت‌خواهی توسط آیین‌ها و مراسم و مناسبت‌ها	تساهل و تسامح دینی
۶۷	اهمیت وجه اجتماعی دین نزد مردم	
۶۸	نقش دین در تالیف قلوب	
۶۹	برداشت تساهل‌گرایانه از دین توسط ایرانیان	بردباری فعال
۷۰	فرهنگ مدارا و تحمل ایرانیان	

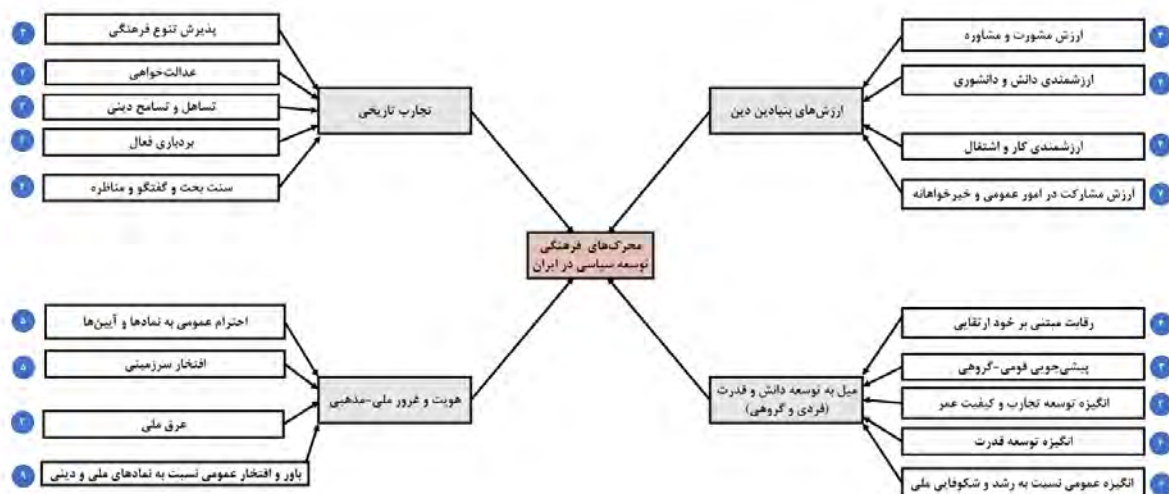
ردیف	مضمون‌های پایه‌ای	مضمون‌های سازمان‌دهنده
۷۱	صبوری و صلح‌جویی مردم ایران	سنت بحث و گفتگو و مناظره
۷۲	مقاومت نرم در برابر ظلم و تهاجم	
۷۳	سنت مباحثات علمی و فلسفی در ایران	
۷۴	سنت گفتگو در اختلافات خانوادگی و قومی در ایران	
۷۵	ارزش شنیدن گفته‌ها و پیروی از نیکوترین آنها در دین	
۷۶	سنت مباحثات دینی و اعتقادی در ایران	

در گام آخر، براساس مشابهت‌های کاربردی دسته‌بندی مضمون‌های سازمان‌دهنده در قالب مضمون‌های سازمان‌دهنده، هر چند مضمون در یک مضمون‌های فراگیر ارائه شده است. دسته به نام مضمون فراگیر قرار گرفت. در جدول ۳،

جدول ۳- دسته‌بندی مضمون‌های سازمان‌دهنده و استخراج مضمون‌های فراگیر

ردیف	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های فراگیر
۱	ارزش مشورت و مشاوره	ارزش‌های بنیادین دین
۲	ارزشمندی دانش و دانشوری	
۳	ارزشمندی کار و اشتغال	
۴	ارزش مشارکت در امور عمومی و خیرخواهانه	
۵	رقابت مبتنی بر خود ارتقایی	میل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی)
۶	پیشی‌جویی قومی-گروهی	
۷	انگیزه توسعه تجارب و کیفیت عمر	
۸	انگیزه توسعه قدرت	
۹	انگیزه عمومی نسبت به رشد و شکوفایی ملی	هویت و غرور ملی-مذهبی
۱۰	احترام عمومی به نمادها و آیین‌ها	
۱۱	افتخار سرزمینی	
۱۲	عرق ملی	
۱۳	باور و افتخار عمومی نسبت به نمادهای ملی و دینی	تجارب تاریخی
۱۴	پذیرش تنوع فرهنگی	
۱۵	عدالت‌خواهی	
۱۶	تساهل و تسامح دینی	
۱۷	بردباری فعال	
۱۸	سنت بحث و گفتگو و مناظره	

در زیر شبکه مضامین، جهت شناسایی محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران نشان داده شده است.



شکل ۱- شبکه مضامین (محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

پژوهش حاضر با هدف شناسایی محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران انجام شد. در بخش منابع نوشتاری، با بررسی ۱۹ منبع (از بازه ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۲) و در بخش مصاحبه با ۹ مصاحبه، اشباع نظری حاصل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس تحلیل مضمون انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان داد محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران در قالب ۷۶ مضمون پایه‌ای، ۱۸ مضمون سازمان‌دهنده و ۴ مضمون فراگیر طبقه‌بندی گردید. مضمون‌های فراگیر عبارتند از: ارزش‌های بنیادین دین (شامل ۱۸ مضمون پایه‌ای و ۴ مضمون سازمان‌دهنده)، رفتارهای میل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی) (شامل ۱۹ مضمون پایه‌ای و ۵ مضمون سازمان‌دهنده)، هویت و غرور ملی-مذهبی (شامل ۲۲ مضمون پایه‌ای و ۴ مضمون سازمان‌دهنده)، تجارب تاریخی (شامل ۱۷ مضمون پایه‌ای و ۵ مضمون سازمان‌دهنده). مضمون فراگیر «ارزش‌های بنیادین دین» شامل چهار

مضمون سازمان‌دهنده است. ۱- ارزش مشورت و مشاوره، ۲- ارزشمندی دانش و دانشوری، ۳- ارزشمندی کار و اشتغال، ۴- ارزش مشارکت در امور عمومی و خیرخواهانه. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که «ارزش‌های بنیادین دین» به عنوان یک مضمون فراگیر، نقش کلیدی در توسعه سیاسی در ایران ایفا می‌کند. چهار مضمون سازمان‌دهنده‌ای که تحت این عنوان شناسایی شده‌اند، به‌وضوح نمایانگر اصولی هستند که می‌توانند به تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی در جامعه کمک کنند. نخست، ارزش مشورت و مشاوره به عنوان یک اصل بنیادین، بر اهمیت تبادل نظر و همفکری در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید دارد و می‌تواند به شکل‌گیری نهادهای دموکراتیک و افزایش اعتماد عمومی منجر شود. دوم، ارزشمندی دانش و دانشوری، به‌ویژه در عصر اطلاعات، ضرورت ارتقاء سطح آگاهی و تحصیلات را نمایان می‌سازد و بر این اساس، جامعه‌ای آگاه‌تر و مسئول‌تر را شکل می‌دهد. سوم، ارزشمندی کار و اشتغال نه تنها به رشد اقتصادی کمک می‌کند، بلکه با

ایجاد حس مسئولیت اجتماعی و تعلق خاطر به جامعه، زمینه‌ساز مشارکت فعال‌تر شهروندان می‌شود. در نهایت، ارزش مشارکت در امور عمومی و خیرخواهانه، به ترویج فرهنگ همکاری و همدلی در میان افراد جامعه کمک کرده و آنها را به سمت فعالیت‌های جمعی و خیرخواهانه سوق می‌دهد. به‌طور کلی، این چهار مضمون سازمان‌دهنده نشان‌دهنده این است که توجه به ارزش‌های دینی می‌تواند به عنوان یک محرک فرهنگی مؤثر در توسعه سیاسی ایران عمل کند و زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای پویا، مشارکتی و متعهد به اصول دموکراتیک باشد.

مضمون فراگیر «میل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی)» شامل پنج مضمون سازمان‌دهنده است. ۱- رقابت مبتنی بر خود ارتقایی، ۲- پیشی‌جویی قومی-گروهی، ۳- انگیزه توسعه تجارب و کیفیت عمر، ۴- انگیزه توسعه قدرت، ۵- انگیزه عمومی نسبت به رشد و شکوفایی ملی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مضمون فراگیر «میل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی)» به‌عنوان یک محرک فرهنگی کلیدی در توسعه سیاسی ایران، شامل پنج مضمون سازمان‌دهنده است که هر یک به‌طور مستقیم بر فرآیندهای اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌گذارد. نخست، رقابت مبتنی بر خود ارتقایی، نشان‌دهنده تمایل افراد و گروه‌ها به بهبود مستمر و ارتقای سطح علمی و مهارتی خود است که می‌تواند به افزایش کارآمدی و نوآوری در جامعه منجر شود. دوم، پیشی‌جویی قومی-گروهی، بر اهمیت هویت‌های جمعی و تلاش برای ارتقای وضعیت گروه‌های مختلف تأکید دارد که می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و ایجاد رقابت سالم میان گروه‌ها کمک کند. سوم، انگیزه توسعه تجارب و کیفیت عمر، بیانگر تمایل افراد به بهبود شرایط زندگی و افزایش کیفیت زندگی از طریق یادگیری و کسب تجربه‌های جدید است که این امر به نوبه خود می‌تواند به افزایش مشارکت اجتماعی و سیاسی منجر

شود. چهارم، انگیزه توسعه قدرت، نشان‌دهنده تلاش برای کسب نفوذ و توانمندی در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است که این امر می‌تواند به شکل‌گیری نهادهای قوی‌تر و دموکراتیک‌تر کمک کند. در نهایت، انگیزه عمومی نسبت به رشد و شکوفایی ملی، نمایانگر یک حس جمعی از تعلق خاطر به سرزمین و فرهنگ است که می‌تواند موجب همبستگی اجتماعی و حرکت به سوی اهداف مشترک ملی شود. در مجموع، این مضمون‌های سازمان‌دهنده نه تنها نمایانگر نیازهای فردی و گروهی هستند، بلکه می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای توسعه پایدار سیاسی در ایران عمل کنند و زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای پویا و مشارکتی باشند.

مضمون فراگیر «هویت و غرور ملی-مذهبی» شامل چهار مضمون سازمان‌دهنده است. ۱- احترام عمومی به نمادها و آیین‌ها، ۲- افتخار سرزمینی، ۳- عرق ملی، ۴- باور و افتخار عمومی نسبت به نمادهای ملی و دینی. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مضمون فراگیر «هویت و غرور ملی-مذهبی» به عنوان یکی از محرک‌های فرهنگی کلیدی در توسعه سیاسی ایران، شامل چهار مضمون سازمان‌دهنده است که هر یک به‌نحو خاصی بر فرآیندهای اجتماعی و سیاسی تأثیر می‌گذارد. نخست، «احترام عمومی به نمادها و آیین‌ها» بیانگر اهمیت و ارزش‌گذاری جامعه به نشانه‌ها و مراسم‌های فرهنگی و مذهبی است که می‌تواند به تقویت احساس تعلق و همبستگی اجتماعی کمک کند. دوم، «افتخار سرزمینی» نمایانگر ارتباط عمیق افراد با سرزمین و تاریخ خود است که این حس افتخار می‌تواند به ایجاد انگیزه برای مشارکت در فرآیندهای سیاسی و اجتماعی منجر شود. سوم، «عرق ملی» به تمایل افراد برای دفاع از هویت ملی و ترویج ارزش‌های مشترک اشاره دارد که می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی و کاهش تنش‌های قومی و مذهبی کمک کند. در نهایت، «باور و افتخار عمومی نسبت به نمادهای ملی و دینی» نشان‌دهنده یک

حس جمعی از تعلق خاطر به میراث فرهنگی و مذهبی است که می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و مشارکت در فعالیت‌های سیاسی منجر شود. به‌طور کلی، این مضمون‌های سازمان‌دهنده نه تنها نمایانگر نیازهای هویتی جامعه هستند، بلکه می‌توانند به‌عنوان ابزاری مؤثر در جهت ایجاد یک جامعه مشارکتی و پویا در راستای توسعه سیاسی پایدار عمل کنند.

مضمون فراگیر «تجارب تاریخی» شامل پنج مضمون سازمان‌دهنده است. ۱- پذیرش تنوع فرهنگی، ۲- عدالت‌خواهی، ۳- تساهل و تسامح دینی، ۴- بردباری فعال، ۵- سنت بحث و گفتگو و مناظره. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مضمون فراگیر «تجارب تاریخی» به‌عنوان یکی از محرک‌های فرهنگی مؤثر در توسعه سیاسی ایران، شامل پنج مضمون سازمان‌دهنده است که هر یک نقش مهمی در شکل‌گیری و تقویت فرآیندهای سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کنند. نخست، «پذیرش تنوع فرهنگی» به‌عنوان یک اصل اساسی، نه تنها به ایجاد فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام و گروه‌های مختلف کمک می‌کند، بلکه می‌تواند به غنای فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز بیفزاید. دوم، «عدالت‌خواهی» به‌عنوان یک خواسته عمومی در تاریخ ایران، نشان‌دهنده تمایل مردم به تحقق حقوق برابر و تأمین عدالت اجتماعی است که می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و مشارکت فعال در عرصه سیاسی منجر شود. سوم، «تساهل و تسامح دینی» به‌ویژه در جامعه‌ای با تنوع مذهبی، اهمیت ویژه‌ای دارد و می‌تواند به کاهش تنش‌ها و افزایش همدلی میان گروه‌های مختلف کمک کند. چهارم، «بردباری فعال» به‌عنوان یک ویژگی فرهنگی، نشان‌دهنده توانمندی افراد در مواجهه با چالش‌ها و اختلافات است که می‌تواند به ایجاد یک فضای سیاسی سالم و سازنده منجر شود. در نهایت، «سنت بحث و گفتگو و مناظره» به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای تبادل نظر و ارتقای آگاهی عمومی، می‌تواند به

تقویت دموکراسی و مشارکت سیاسی در جامعه کمک کند. به‌طور کلی، این مضمون‌های سازمان‌دهنده نه تنها نمایانگر تجارب تاریخی غنی جامعه ایرانی هستند، بلکه می‌توانند به‌عنوان پایه‌های اساسی برای توسعه سیاسی پایدار و مشارکتی در آینده عمل کنند.

مضمون «ارزش‌های بنیادین دین» به‌عنوان یک محرک کلیدی، بر اهمیت مشورت، دانش، کار و مشارکت تأکید دارد و می‌تواند به تقویت نهادهای دموکراتیک و افزایش اعتماد عمومی منجر شود. همچنین، مضمون «میل به توسعه دانش و قدرت» نشان‌دهنده تمایل افراد به ارتقاء شخصی و گروهی است که می‌تواند به افزایش کارآمدی و نوآوری در جامعه کمک کند. از سوی دیگر، «هویت و غرور ملی-مذهبی» با تقویت احساس تعلق و همبستگی اجتماعی، می‌تواند انگیزه‌ای برای مشارکت در فرآیندهای سیاسی ایجاد کند. همچنین، مضمون «تجارب تاریخی» با تأکید بر پذیرش تنوع فرهنگی و عدالت‌خواهی، به ایجاد فضایی برای همزیستی مسالمت‌آمیز و تقویت اعتماد عمومی کمک می‌کند. به‌طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد که توجه به این مضامین فرهنگی می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در جهت توسعه سیاسی پایدار و ایجاد جامعه‌ای پویا و مشارکتی در ایران عمل کند.

در نهایت، هر پژوهش با محدودیت‌هایی در جمع‌آوری داده‌ها، روش تجزیه و تحلیل، ابزار، منابع و زمان مواجه است؛ از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدودیت‌های ابزار گردآوری داده‌ها و سوگیری احتمالی مصاحبه‌شوندگان در مواجهه با پرسش‌هایی که در ماهیت، بر قضاوت فردی استوارند، اشاره نمود. از این‌رو، با در نظر گرفتن محدودیت‌های پیش روی این پژوهش، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آتی باشد تا پژوهشگران آتی با غلبه بر محدودیت‌های پژوهش حاضر، پژوهش‌های تکمیلی را سازمان‌دهی نمایند. به پژوهشگران آتی

پیشنهاد می‌شود موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران را نیز شناسایی نمایند.

پیشنهادهای کاربردی و عملیاتی

با توجه به یافته‌های پژوهش و مضامین شناسایی‌شده، پیشنهادهای کاربردی برای توسعه سیاسی در ایران به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- پیشنهاد برای ارزش‌های بنیادین دین

با توجه به نقش کلیدی «ارزش‌های بنیادین دین» در محرک‌های فرهنگی توسعه سیاسی در ایران، پیشنهاد می‌شود که یک برنامه جامع و چندوجهی طراحی شود که به تقویت این چهار محور اصلی بپردازد. نخست، برگزاری دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های تخصصی در زمینه مشورت و مشاوره، با هدف ارتقاء مهارت‌های گفت‌وگویی و تصمیم‌گیری جمعی در نهادهای دولتی و غیردولتی، می‌تواند به شکل‌گیری فرهنگ مشورت در جامعه کمک کند. دوم، ایجاد مراکز پژوهشی و علمی با تمرکز بر ارتقاء دانش و دانشوری، به‌ویژه در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی، می‌تواند به افزایش آگاهی عمومی و مسئولیت‌پذیری شهروندان منجر شود. سوم، توسعه برنامه‌های اشتغال‌زایی و کارآفرینی با تأکید بر ارزشمندی کار، به ویژه برای جوانان، نه تنها به رشد اقتصادی کمک خواهد کرد بلکه حس تعلق و مسئولیت اجتماعی را در افراد تقویت می‌نماید. در نهایت، راه‌اندازی پلتفرم‌های آنلاین و محلی برای تسهیل مشارکت در امور عمومی و خیرخواهانه، می‌تواند به ترویج فرهنگ همکاری و همدلی در جامعه کمک کند و افراد را به سمت فعالیت‌های جمعی سوق دهد. این رویکرد جامع می‌تواند به‌عنوان یک محرک فرهنگی مؤثر در راستای توسعه سیاسی ایران عمل کند و زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای پویا، مشارکتی و متعهد به اصول دموکراتیک باشد.

۲- پیشنهاد برای میل به توسعه دانش و قدرت

(فردی و گروهی)

با توجه به مضامین سازمان‌دهنده «میل به توسعه دانش و قدرت (فردی و گروهی)»، پیشنهاد می‌شود که یک برنامه جامع و چندوجهی برای تقویت این پنج محور طراحی و اجرا شود. نخست، برای ترویج رقابت مبتنی بر خود ارتقایی، می‌توان دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارتی در حوزه‌های مختلف علمی و حرفه‌ای ایجاد کرد که به افراد فرصت یادگیری و رشد شخصی را فراهم کند. دوم، برای پیشی‌جویی قومی-گروهی، باید برنامه‌هایی برای تقویت هویت‌های جمعی و همکاری میان گروه‌های مختلف طراحی شود، از جمله برگزاری جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی که به معرفی و ارج نهادن به تنوع فرهنگی جامعه کمک کند. سوم، در راستای انگیزه توسعه تجارب و کیفیت عمر، ایجاد فضاهای عمومی و پلتفرم‌هایی برای تبادل تجربیات و مهارت‌ها میان افراد مختلف می‌تواند به افزایش کیفیت زندگی و مشارکت اجتماعی منجر شود. چهارم، برای تقویت انگیزه توسعه قدرت، باید نهادهای مدنی و مشارکتی تقویت شوند تا افراد بتوانند در فرآیندهای تصمیم‌گیری اجتماعی و سیاسی نقش فعالی ایفا کنند. در نهایت، برای ایجاد انگیزه عمومی نسبت به رشد و شکوفایی ملی، لازم است برنامه‌های آگاهی‌بخشی و ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی طراحی شود که حس تعلق خاطر به سرزمین و فرهنگ را در میان شهروندان تقویت کند. این اقدامات می‌توانند به‌عنوان محرک‌های مؤثر در راستای توسعه پایدار سیاسی در ایران عمل کنند و زمینه‌ساز ایجاد جامعه‌ای پویا و مشارکتی باشند.

۳- پیشنهاد برای هویت و غرور ملی-مذهبی

برای تقویت مضمون فراگیر «هویت و غرور ملی-مذهبی» به‌عنوان یک محرک فرهنگی کلیدی در توسعه سیاسی ایران، پیشنهاد می‌شود که یک برنامه جامع و منسجم طراحی و اجرا گردد که بر چهار محور اصلی تمرکز کند. نخست، با هدف ارتقاء «احترام عمومی به

نمادها و آیین‌ها، می‌توان کارگاه‌های آموزشی و رویدادهای فرهنگی برگزار کرد که در آنها به ترویج و توضیح اهمیت نمادها و آیین‌های ملی و مذهبی پرداخته شود. دوم، برای تقویت «افتخار سرزمینی»، لازم است فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مانند مسابقات ورزشی، جشنواره‌های محلی و نمایشگاه‌های هنری برگزار شود که تاریخ و فرهنگ غنی ایران را به نمایش بگذارد و حس تعلق به سرزمین را در میان شهروندان افزایش دهد. سوم، در راستای ترویج «عرق ملی»، باید برنامه‌هایی برای مشارکت جوانان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی طراحی شود تا آنها بتوانند از طریق این مشارکت، احساس هویت و مسئولیت‌پذیری را در خود تقویت کنند. در نهایت، برای ایجاد «باور و افتخار عمومی نسبت به نمادهای ملی و دینی»، پیشنهاد می‌شود که رسانه‌ها و نهادهای آموزشی به‌ویژه در سطح مدارس، برنامه‌های آموزشی و محتوایی طراحی کنند که به تبیین ارزش‌ها و میراث فرهنگی و مذهبی بپردازند. این اقدامات می‌توانند به عنوان ابزاری مؤثر در جهت ایجاد یک جامعه مشارکتی و پویا عمل کنند و به توسعه سیاسی پایدار کشور کمک نمایند.

۴- پیشنهاد برای تجارب تاریخی

به منظور تقویت مضمون فراگیر «تجارب تاریخی» به عنوان یک محرک فرهنگی در توسعه سیاسی ایران، پیشنهاد می‌شود که یک برنامه جامع و چندوجهی طراحی گردد که بر پنج محور اصلی تمرکز کند. نخست، در راستای «پذیرش تنوع فرهنگی»، باید کارگاه‌ها و رویدادهای فرهنگی برگزار شود که به معرفی و ترویج فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف در ایران پرداخته و همزیستی مسالمت‌آمیز را تقویت کند. دوم، برای تحقق «عدالت‌خواهی»، لازم است نهادهای مدنی و اجتماعی به‌ویژه جوانان را در فعالیت‌های عدالت‌طلبانه و حقوق بشری مشارکت دهند تا حس مسئولیت اجتماعی و اعتماد عمومی تقویت شود. سوم، در زمینه «تساهل و

تسامح دینی»، باید برنامه‌های آموزشی و رسانه‌ای طراحی گردد که به تبیین ارزش‌های مشترک میان ادیان مختلف پرداخته و به کاهش تنش‌های مذهبی کمک کند. چهارم، برای ایجاد «بردباری فعال»، می‌توان دوره‌های آموزشی مهارت‌های زندگی و مدیریت اختلافات برگزار کرد که به افراد ابزارهای لازم برای مواجهه با چالش‌ها را ارائه دهد. در نهایت، برای تقویت «سنت بحث و گفتگو و مناظره»، باید فضایی امن و آزاد برای تبادل نظر و گفت‌وگو در جامعه فراهم گردد، از جمله برگزاری مناظرات عمومی و استفاده از رسانه‌های اجتماعی به عنوان بستری برای ارتقای آگاهی عمومی و مشارکت سیاسی. این اقدامات می‌توانند به عنوان پایه‌هایی اساسی برای توسعه سیاسی پایدار و مشارکتی در آینده عمل کنند.

منابع

آگاه، فریبا؛ نادی، محمدعلی و کریمی، فریبا (۱۴۰۰). «شناسایی مولفه‌های مؤثر در مشارکت والدین در مدرسه: رویکردی کیفی با روش تحلیل مضمون». فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت مدرسه، دوره ۹، شماره ۲.

اکبری، محمدظاهر (۱۳۸۸). شورا در اسلام». همایش افغانستان و انتخابات شورای ملی، تهران.

اسماعیلی، رضا (۱۳۸۶). فنون رای‌آفرینی و اقتناع در انتخابات مجلس. نشر هنرهای زیبا، اصفهان.

بایزدی، رحیم و حسین‌پناهی، حلیمه (۱۳۹۸). فرهنگ و توسعه: شاخص‌های فرهنگی توسعه‌پذیر و ضد توسعه در ژاپن، بریتانیا و ایران. دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دوره ۸، شماره ۱.

بهرامی، وحید؛ شوشتری، مصطفی و اردکانی، حمید (۱۳۹۳). الگوی دستیابی به توسعه سیاسی و اقتصادی با نگاه به سه رویکرد نهادگرا، اقتصادگرا و سیاست‌گرا. دومین کنفرانس ملی پویایی مدیریت، توسعه اقتصادی و مدیریت مالی، شیراز.

- پناهی، محمدحسین (۱۳۹۳). «توسعه فرهنگی؛ ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی». سومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، اردیبهشت و خرداد.
- پناهی، مسعود (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل فراشاخص‌های توسعه در کشور امارات متحده به عنوان یک کشور نفتی و مقایسه نتایج آن با کشور ایران. همایش ملی تحقیقات میان رشته‌ای در علوم مهندسی و مدیریت.
- رضایی، علی‌اکبر؛ صالحی‌امیری، سیدرضا و رفیعی‌نژاد، علی‌اصغر (۱۳۹۰). موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران و ارائه راهکارهای مدیریتی در این حوزه. مدیریت فرهنگی.
- طاهری، سید مجتبی و دارابی، علی (۱۴۰۰). «بررسی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کتاب‌های درسی دوره اول و دوم متوسطه (۹۵-۱۳۹۴)». فصلنامه علمی-پژوهشی تعلیم و تربیت، دوره ۳۷، شماره ۱.
- فقیه ایمانی، فاطمه (۱۳۹۲). «تأثیر فرهنگ بر فرآیند توسعه در ایران». مرکز الگوی اسلامی ایرانی <http://www.olgou.org/publications>.
- قادری، ریحانه. (۱۳۹۶). «موانع فرهنگی توسعه سیاسی در ایران». اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه و ترویج
- علوم انسانی در جامعه، تهران. گرجی ازندریانی، علی‌اکبر و ابوالحسنی، محسن (۱۳۹۵). «نقش شورا در مدیریت امور عمومی؛ تصمیم‌گیر یا تصمیم‌ساز». فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۵، شماره ۱۳.
- لوح فشرده پرسمان. اداره مشاوره نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، کد: ۱۰۰۱۳۰۸۲۲/۱.
- موسوی، سید محمدرضا؛ ابطحی، سید مصطفی؛ مطلبی، مسعود و بیات، بهرام (۱۳۹۹). «موانع توسعه سیاسی در ایران معاصر با تاکید بر هویت سیاسی و فرهنگی». فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، دوره ۱۶، شماره ۵۰.
- Beeman, William O (1986) Language, Status and Power in Iran. Bloomington, IN: Indiana University Press.
- Ghazali, A, Karren Lee-Hwei Khaw, K. and Zainir, F.B (2022). Development vs. political views of government ownership: How does it affect investment efficiency? Finance Research Letters, <https://www.elsevier.com/locate/frl>

یادداشت

¹Pearson
²Della Valle
³Morier
⁴Chardin
⁵Fuller

⁶Fraser
⁷Beeman
⁸Max Weber
⁹Ghazali